

تصویر امیر کبیر

مجید مهران

می‌دانیم از تصویرهای میرزاتقی‌خان که نزدیک به زمانش کشیده‌اند، یکی همان است که در **مرآت البلدان** دیده می‌شود و دیگر نقاشی رنگی‌ست که میرزا ابوالحسن غفاری، نقاش باشی در ترجمه‌ی کتاب **هزار و یک شب** رسم کرده. بدین معنی که به‌جای جعفر برمکی صورت امیر و به‌جای خلیفه چهره‌ی ناصرالدین شاه جوان را کشیده است. گذشته از ابهام تاریخی تصویر امیر اصالت دارد. یعنی دقیقاً همان تصویر تمام قد و ایستاده‌ی میرزا تقی‌خان است که منتشر نموده‌ایم و تردید نیست که این تصویر نیز کار میرزا ابوالحسن نقاش باشی می‌باشد. عکس‌هایی که در این چند سال اخیر به‌نام تصویر میرزاتقی‌خان منتشر ساخته‌اند، یک‌سره باسمه‌ای اند و اعتبار تاریخی ندارند و گاهی هم دیده شده که تصویر کسان دیگر را به‌جای امیر چاپ زده‌اند».

* * *

تابلو قتل امیر کبیر در حافظ

مینیاتوری که ما با چشم‌پوشی از یک آگهی در این شماره، آن را در صفحه‌ی آخر مجله چاپ و به خوانندگان ایران دوست، هدیه کرده‌ایم، اثر ماهرخ وحیدنیا دارنده‌ی دیپلم افتخار و مدال طلا در نقاشی از یونسکوی ژاپن است. وی استاد مینیاتور و تذهیب و داور مینیاتور ایران در سال ۱۳۸۱ بوده است. از کارهای او تصویری از چهره و زندگی امیر کبیر است که زندگی امیر را در هفت تابلو از کودکی امیر تا شهادت او به تصویر کشیده.

میناتور مذکور صحنه‌ی قتل امیر کبیر در صحن حمام فین کاشان را نشان می‌دهد. دلاک حمام رگ دست امیر کبیر را بریده و خون صحن حمام را گرفته و از کادر تابلو هم فراتر رفته است. فرمان قتل امیر بر روی سیل خون دیده می‌شود و حاجب‌الدوله (عامل قتل) دست بر خنجر بر بالای سر دلاک ایستاده تا اگر امیر به زخم تیغ دلاک هلاک نشود، او را با خنجر خلاص کند. ■

□ تصویری را که ملاحظه می‌فرمائید در ۱۲۶۵ هجری قمری در زمان صدارت شادروان میرزا تقی‌خان امیر کبیر توسط محمدابراهیم نقاش باشی از نقاشان معروف دوران قاجاریه با رنگ و روغن کشیده شده است و دانشمند گرامی آقای دکتر فریدون آدمیت در نوشته‌ی ارزشمند خود **امیر کبیر و ایران**، انتشارات خوارزمی ۱۳۴۸ منتشر کرده است.

این اثر نفیس را زنده‌یاد پدرم حسن رفاهی مهران (حاج معتمدالدوله) در زمان صدارت میرزا علی‌اصغر خان اتابک امین‌السلطان خریده بود و تا روز وفاتش در ۱۳۱۷ شمسی زینت‌بخش اطاق پذیرایی در محل سکونت خانواده‌ی ما بود. پس از درگذشت پدرم، خانواده‌ی مهران ترجیح دادند که این تابلو را به موزه‌ی ایران باستان اهدا کنند تا از گزند روزگار مصون بماند. آن‌چه شنیده‌ام اکنون در یکی از موزه‌های تهران (احتمالاً موزه‌ی مردم‌شناسی) نگاهداری می‌شود.

در همان ایام جوانی از پدرم شنیدم این نقاشی از بقیه‌ی تصاویری که از آن بزرگ‌مرد یعنی امیر کبیر باقی مانده است، به چهره‌ی واقعی او شبیه‌تر است و مسلماً در زمان حیاتش کشیده‌اند.

در حاشیه‌ی این تصویر این عبارت توسط نقاش نوشته شده است: «بر حسب امر مبارک سرکار اقدس شهریار روحنا فداه، تصویر جناب جلالت ماب، صاحب السیف و القلم، مقتدی الرجال و الامم، أصف الامجد الافخم الاجل الاکرم الاعظم، سرکار امیر کبیر میرزاتقی‌خان ادام‌الله اقباله. جان نثار محمدابراهیم نقاش باشی (۱۲۶۵)».

آقای دکتر آدمیت اشاره کرده است «باری تا اندازه‌یی که

